

مبانی فقهی ضمان ناشی از جنایات حیوان

موسی زرقی^۱، سید جواد خاتمی^۲، افسانه نخعی پور^۳

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری، گروه الهیات و معارف اسلامی، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری، گروه الهیات و معارف اسلامی، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه حکیم سبزواری، گروه الهیات و معرف اسلامی، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

افسانه نخعی پور

چکیده

یکی از مباحث ضمان قهری که امروزه موارد ابتلاء به آن بیشتر شده، ضمان ناشی از جنایات حیوانات است که در کتب فقهی و حقوقی مفصلاً مورد بحث قرار گرفته. سوالی که این نوشتار در صدد پاسخ بدان است این که، ملاک ضمان ناشی از جنایات حیوان چیست؟ برای پاسخ به این سوال، با مراجعه به منابع اصیل فقه امامیه، ادله مرتبط به ضمان ناشی از حیوان مورد تحلیل قرار گرفته، و با توجه به این ادله برای دستیابی به ملاک ضمان ناشی از جنایات حیوان تلاش شده است. با توجه به کاربرد امروزی این مسئله در ضمن طرح مباحث فقهی از دیدگاه حقوق دانان نیز بهره گرفته شده است. آنچه به عنوان نتیجه پژوهش و پاسخ به سوال فوق می توان بیان کرد این که، ملاک ضمان ناشی از جنایات حیوان، تفریط مالک حیوان در حفظ و نگهداری آن می باشد و در حالات عدم تفریط مسئولیتی متوجه مالک حیوان نیست.

واژگان کلیدی: ضمان، حیوان، تفریط، جنایت

مقدمه

با توجه به گسترش روزافزون نگهداری حیوانات خانگی در منازل، آگاهی در مورد نگهداری و مراقبت حیوانات و همچنین مسئولیت‌های ناشی از جنایات آن‌ها لازم و ضروری به نظر می‌رسد. جنایات حیوان از جمله مواردی است که ممکن است برای صاحب آن موجب ضمان شود به عبارتی همان‌طور که افعال مباشرتی انسان در صورت تعدی یا تفریط باعث محقق شدن ضمان می‌گردند، افعال تسبیبی که با واسطه به فرد نسبت داده می‌شوند نیز، می‌تواند عاملی برای ضمان باشند. جنایت حیوان از افعال تسبیبی است که اگر ناشی از سهل‌انگاری در نگهداری آن‌ها باشد مسئولیت آن بر عهده مالک است. علاوه بر کتب فقهی که به توضیح این موضوع پرداخته‌اند، ماده‌های ۵۲۲ تا ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی نیز به این مطلب اختصاص پیدا کرده است.

۱. ضمان جنایت ناشی از حیوان حمله‌کننده

انسان علاوه بر مسئولیتی که در قبال اعمال خود دارد، مانند ساختن دیوار کجی که با فرو ریختن باعث هلاکت مردم می‌شود، یا قرار دادن ظرفی به صورت مایل بر روی دیوار، که سقوط کند و به دیگری آسیب برساند، گاهی در برابر جنایاتی که حیوان او نیز مرتکب می‌شود، ضامن است. در ادامه نمونه‌هایی از این موارد بیان می‌شود.

۱-۱: ضمان ناشی از جنایت حیوانات سرکش

در کتب فقه‌های امامیه مثالها و مواردی از ضمان ناشی از فعل حیوانات بیان شده است. اکثریت فقه‌های امامیه بر این عقیده‌اند که بر صاحب حیوان واجب است حیوان وحشی خود را، مانند شتر آماده جفت‌گیری و سگ‌ها را که به دیگران حمله می‌کنند، نگهداری و محافظت کند، و اگر اهمال کند و آن‌ها را رها بگذارد او ضامن آسیب‌هایی است که حیوان به دیگری وارد کرده است.

[۱۰][۹][۸][۷][۶][۵][۴][۳][۲][۱]

اما اگر صاحب حیوان از حال و وضعیت حیوان خود اطلاع نداشته باشد، و یا این‌که مطلع باشد ولی تفریط نکرده باشد تعدادی از فقها به صراحت بیان کرده‌اند که، ضمانی بر عهده مالک نیست. [۱۰][۷][۴][۳][۲][۱]

ادله ضمان ناشی از جنایت حیوان سرکش

فقها برای تعیین ضمان صاحب حیوان به دلایل زیر تمسک نموده‌اند:

الف) قاعده لاضرر اقتضا می‌کند هر چیزی که متحمل ضرر برای غیر شود، ضمان‌آور است.

ب) در این زمینه روایاتی از ائمه (علیه السلام) وارد شده است که ضمان شتر سرکش را بیان کرده‌اند.

۱- روایت حلبی از امام صادق (علیه السلام) که می‌فرماید:

«سُئِلَ عَنْ بُخْتِيٍّ اغْتَلَمَ مِنْ الدَّارِ فَقَتَلَ رَجُلًا- فَجَاءَ أَخُو الرَّجُلِ فَضْرَبَ الْفَحْلَ بِالسَّيْفِ- فَقَالَ صَاحِبُ الْبُخْتِيٍّ ضَامِنٌ لِلدِّيَةِ- وَ يَقْتَصُّ ثَمَنَ بُخْتِيٍّ الْحَدِيثِ». [۱۷][۱۶][۱۵][۱۴][۱۳][۱۲][۱۱]

از امام صادق (علیه السلام) در مورد شتر سرکشی که از خانه خارج شده، سؤال شد که مردی را می‌کشد و برادر مقتول، شمشیر می‌کشد و شتر را می‌کشد. امام فرمود: «صاحب شتر باید دیه مقتول را بدهد و پول شترش را از دیه کم کند».

۲- روایت دوم، روایتی است که در آن علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم (علیه السلام) سؤال کرد:

«سَأَلْتُهُ عَنْ بُخْتِيٍّ اغْتَلَمَ فَقَتَلَ رَجُلًا مَا عَلَى صَاحِبِهِ- قَالَ عَلَيْهِ الدِّيَةُ». [۲۰][۱۹][۱۸][۱۷][۱۶][۱۵][۱۴][۱۳][۱۲][۱۱]

در مورد شتر سرکشی که فردی را کشته است، سؤال کردم که آیا صاحب آن باید چیزی بدهد؟ امام فرمود: دیه را باید بدهد.

آن‌چه از این دو روایت برداشت می‌شود ضمان مطلق است، یعنی چه مالک در محافظت حیوان سرکش، کوتاهی کرده باشد یا نکرده باشد، ضامن است.

دسته‌ای دیگر از روایات هستند که از ظاهر آن‌ها عدم ضمان برداشت می‌شود و شاید بتوان گفت مطلقاً دلالت بر عدم ضمان می‌کنند:

الف) سکونی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند، که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«الْبِئْرُ جَبَارٌ وَالْجَمَاءُ جَبَارٌ وَالْمَعْدِنُ جَبَارٌ». [۱۵][۲۱][۱۲][۱۱]

یعنی اگر کسی در چاهی که در زمین مباح کنده شده بیفتد و بمیرد خونس هدر است و اگر کسی از حیوان بیفتد و یا حیوان او را صدمه برساند و او بمیرد، خونس هدر است و یا از معدن می‌خواسته چیزی استخراج کند در آن‌جا بمیرد، خونس هدر است و کسی ضامن خون او نیست.

مجلسی در مورد عجماء می‌گوید شاید منظور چهارپایی است که در حال چریدن جنایت می‌کند، یا حیوانی که بدون تفریط مالک به کسی آسیب برساند. [۱۶]

صاحب جواهر در رابطه با این روایت می‌گوید: «این روایت از چند جهت ضعیف است و باید آن را حمل بر مواردی غیر از موارد بالا بکنیم، یعنی جنایت حیوان در غیر آن مورد هدر است، یا جنایت حیوان بی‌صاحب هدر است، یا حیوانی که صاحبش در حفظ آن تفریط نکرده اما باز هم جنایتی کرده است، یا آن‌جا که خود تلف‌شده تفریط کرده باشد، هدر است». [۶]

ب) در روایتی که یونس بن عبدالرحمن نقل می‌کند، امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«بِهِمَّةُ الْأَنْعَامِ لَا يَغْرَمُ أَهْلُهَا شَيْئاً مَا دَامَتْ مُرْسَلَةً». [۱۱][۱۲][۱۳][۱۴][۱۵][۱۶][۱۷]

صاحبان چهارپایان اهلی، ضامن جنایت آن‌ها نیستند مادامی که آزاد و رها باشند.

هرچند صاحب جواهر و مجلسی روایت سکونی را مرتبط با بحث مورد نظر نمی‌دانند ولی این دو روایت به صورت مطلق بیان شده و در آن‌ها سخنی از تفریط و عدم تفریط به میان نیامده است، هم‌چنین عکس روایات بالا دلالت بر عدم ضمان صاحب حیوان می‌کنند و شاید بتوان عدم ضمان صاحب حیوان را از آن‌ها برداشت کرد.

با توجه به مفهوم متعارض این دو دسته روایات، فقها برای رفع تعارض به روایات دیگری تمسک کرده اند، از جمله:

الف) روایت مسمع بن عبدالملک از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرماید:

«أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) كَانَ إِذَا صَالَ الْفَحْلُ أَوَّلَ مَرَّةٍ - لَمْ يُضْمَنْ صَاحِبُهُ فَإِذَا ثَنَّى ضَمَّنَ صَاحِبُهُ». [۱۱][۱۳][۱۴][۱۵][۱۶][۲۰]

حضرت علی (علیه السلام) صاحب شتری را که برای اولین بار خسارتی وارد می‌کرد، ضامن نمی‌دانست اما اگر این کار را تکرار می‌کرد صاحب آن را ضامن می‌دانست.

طبق آن‌چه در مبانی تکملة المنهاج و مجمع الفائده، ذکر شده، شاید علت این‌که مالک در مرتبه اول ضامن نیست این است که چنین فرض می‌شود که از وضعیت حیوان خود آگاهی ندارد و عذر او پذیرفته است اما در مرتبه دوم نمی‌تواند چنین عذری بیاورد، چون نسبت به آن آگاهی پیدا می‌کند. [۲۲][۸]

ب) زیدبن علی از پدرانش روایت می‌کند که:

«أَنَّهُ كَانَ يُضْمَنُ صَاحِبَ الْكَلْبِ إِذَا عَقَرَ نَهَاراً وَ لَا يُضْمَنُهُ إِذَا عَقَرَ بِاللَّيْلِ». [۱۲][۱۳][۱۴][۱۵][۲۰]

حضرت علی (علیه السلام) صاحب سگ را اگر در روز گاز می‌گرفت ضامن قرار می‌داد و اگر در شب گاز می‌گرفت او را ضامن نمی‌دانست. این روایت دلالت دارد بر این‌که، صاحب سگ مسؤول نگهداری او در روز می‌باشد و در صورت کوتاهی، ضامن جنایاتی است که او مرتکب می‌شود، اما اگر در شب به کسی صدمه بزند او ضامن نیست.

ج) سکونی از جعفر نقل می‌کند که پدرش از قول امام علی (علیه السلام) می‌گفت:

«كَانَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَا يُضْمَنُ مَا أَفْسَدَتِ الْبَهَائِمُ نَهَاراً وَ يَقُولُ عَلَى صَاحِبِ الزَّرْعِ حِفْظُ زَرْعِهِ وَ كَانَ يُضْمَنُ مَا أَفْسَدَتِ الْبَهَائِمُ لَيْلاً». [۱۳][۲۳][۱۵][۱۶][۲۰]

امام علی (علیه السلام) صاحب حیوانات را بر زراعتی که حیوانات در روز از بین می‌بردند، ضامن قرار نمی‌داد، و می‌فرمود: صاحب مزرعه باید زراعت خود را حفظ کند، و اگر حیوانات در شب زراعت را از بین ببرند، صاحب آن‌ها ضامن است.

برخی از فقهای معاصر در توضیح این روایت می‌گویند: «واضح است که تفصیل قائل شدن بین شب و روز در ضمان و عدم ضمان، به آن جهت است که مالک زمین موظف است در روز از محصول خود محافظت کند، در صورتی که حیوان محصول او را از بین ببرد و او خود در حفظ محصول کوتاهی کرده باشد، صاحب حیوان ضامن نیست». [۲۴]

اما خویی تفصیل قائل شدن بین شب و روز را از آن جهت می‌داند که تفریط از جانب صاحب حیوان معمولاً در شب اتفاق می‌افتد، نه در روز، پس برای زمان خصوصیتی وجود ندارد بلکه ملاک، تفریط و عدم تفریط مالک در نگهداری حیوان است. [۸]

روایاتی که دلالت بر ضمان مطلق می‌کند توسط این روایات تخصیص می‌خورد، و نتیجه این می‌شود که، مالک ضامن جنایات حیوان نیست البته تا زمانی که از وضعیت او بی‌خبر باشد، و یا باخبر بوده ولی تفریطی نکرده است.

در قانون مجازات اسلامی نیز ماده ۵۲۲ به این موضوع اختصاص پیدا کرده و در آن آمده است:

«متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست».

علاوه بر آنچه فقها به عنوان ملاک عدم ضمان در این مسئله مطرح کرده اند، که همان کوتاهی نکردن در نگهداری حیوان است قانون‌گذار قید دیگری را بر عدم ضمان افزوده است؛ با این توضیح که قانون‌گذار کوتاهی در به دست آوردن آگاهی نسبت به وضعیت حیوان را نیز موجب ضمان مالک دانسته است. تفاوت عملی قیدی که قانون‌گذار افزوده در جایی آشکار می‌شود که مالک حیوان، آن را به عنوان حیوانی

بی خطر میدانسته و رها گذاشته است. در این حالت اگر حیوان به فردی جنایتی وارد کند بنا بر نظر فقها مالک ضامن نیست ولی بنابر نظر قانونگذار اگر این فرد در به دست آوردن آگاهی نسبت به وضعیت حیوان خود کوتاهی کرده باشد و حیوان در واقع آسیب رسان باشد، ضامن است.

۲-۱: ضمان ناشی از جنایت گربه

یکی از حیواناتی که فقها به طور اختصاصی ضمان جنایات آن را مورد بررسی قرار داده‌اند، گربه است. در این مسأله میان فقهای امامیه اختلاف است، آن گونه که به شیخ طوسی نسبت داده شده، او قائل است: اگر گربه وحشی و حمله‌کننده باشد و صاحبش در نگهداری آن تفریط کند، ضامن است. بعضی از فقها نیز ضمن تأیید نظر شیخ طوسی، گربه را مانند سگ و شتر وحشی دانسته‌اند و حکم آن را در صورت کوتاهی مالک در حفظ، ضمان می‌دانند. [۲][۲۵][۲۲][۵][۷] محقق می‌گوید: «در ضمان جنایت گربه تردید و دودلی است، و فتوا دادن به ضمان صاحب آن بعید است چون معمول نیست که گربه را ببندند». [۱]

صاحب جواهر سخن محقق را صحیح نمی‌داند و در رد آن می‌فرماید: اگر گربه را نمی‌بندند به این علت است که به ندرت حمله می‌کند، پس درست نیست که بگوییم چون معمولاً آن را نمی‌بندند مالک آن ضامن نیست. [۶] خویی نیز مانند محقق مالک را ضامن نمی‌داند و در بیان علت آن می‌گوید: «ظاهر این است که مالک مطلقاً ضامن نیست چون تفریط و کوتاهی در مورد نگهداری گربه تحقق پیدا نمی‌کند، به گونه‌ای که نگهداری گربه در خانه مرسوم است ولی نه به نحوی که بتوان آن را از تعدی محافظت کرد، چون تعدی در ذات و سرشت او می‌باشد، خواه مالک داشته باشد یا نداشته باشد، هم‌چنین ضمانی بر جنایت حیوانات نیست و آن هدر است، بنابراین مالک گربه ضامن نمی‌باشد». [۸] با تأمل در کلام فقها، می‌توان گفت که برای ضمان جنایت گربه نمی‌توان حکم واحدی که مطابق عقیده تمام فقها باشد ارائه داد، ولی به نظر می‌رسد اکثریت فقها بر ضمان صاحب گربه هنگام کوتاهی در نگهداری آن، فتوا داده‌اند. در صورتی که گربه زیاد باعث ضرر شود عده‌ای از فقها بر این عقیده‌اند که می‌توان آن را کشت. [۱][۲][۳][۲۲][۵] برخی از فقهای معاصر در بیان حکم قتل گربه مودی و غیر مودی، به این نحو تفصیل قائل شده‌اند: گربه‌ای که مالک دارد اگر آزاردهنده باشد، مالک یا هر فرد دیگری می‌توانند برای دفاع از خود آن را بکشند، اما اگر غیر مالک، گربه را به جهتی جز دفاع بکشند، ظاهراً ضامن است مانند کشتن شتر وحشی هم‌چنان که در روایت حلبی بیان شد. و گربه‌ای که مالک ندارد، هنگامی که ضرر برساند مانند سایر حیوانات مودی کشتن آن جایز است، ولی اگر بی‌آزار باشد، کشتن آن اشکال دارد، و این اشکال با تکیه بر روایاتی که در این زمینه ذکر شده است، مشخص می‌گردد. [۹]

۳-۱: ضمان ناشی از جنایت سگ گازگیرنده

در مورد سگ گازگیرنده باید به این نکته توجه شود که آیا ورود شخص به منزلی که این گونه سگی دارد با اجازه صاحب‌خانه بوده است یا بدون اجازه او، با تعیین این مطلب، ضمان یا عدم ضمان صاحب‌خانه مشخص می‌گردد. به این ترتیب اگر شخصی با اجازه صاحب‌خانه وارد خانه کسی شود و سگ صاحب‌خانه او را گاز بگیرد، فقهای امامیه معتقدند که، صاحب‌خانه ضامن است، ولی اگر ورود او بدون اذن بوده، صاحب‌خانه ضامن نیست. [۲۶][۲۷][۱][۲۸][۴][۵][۶][۷][۸]

مستندات شرعی ضمان

دلایلی که فقها با استناد به آن‌ها صاحب سگ را در صورت وارد کردن خسارت به دیگران ضامن دانسته‌اند به این ترتیب است:

الف) وجود روایاتی که دلالت بر این مطلب دارند از جمله:

۱. سکونی در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که:

«قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ دَخَلَ دَارَ قَوْمٍ يَغِيرُ إِذْنَهُمْ، فَعَقَرَهُ كُلُّبُهُمْ، قَالَ: لَاضْمَانٌ عَلَيْهِمْ، وَإِنْ دَخَلَ بِإِذْنِهِمْ ضَمُّوا».

[۱۸][۱۳][۱۴][۱۵][۱۶]

حضرت علی (علیه السلام) در مورد کسی که بدون اجازه داخل خانه قومی می‌شود و سگ آن‌ها وی را مجروح می‌سازد، فرمود: «ضمانتی بر صاحبان خانه نیست بلکه اگر با اجازه آن‌ها داخل می‌شد، ضامن بودند».

۲. زیدین علی از پدرانش روایت می‌کند که:

«أَنَّهُ كَانَ يَضْمَنُ صَاحِبَ الْكَلْبِ إِذَا عَقَرَ نَهَاراً وَ لَا يَضْمَنُهُ إِذَا عَقَرَ بِاللَّيْلِ وَ إِذَا دَخَلَتْ دَارَ قَوْمٍ بِإِذْنِهِمْ فَعَقَرَكَ كَلْبُهُمْ فَهُمْ ضَامِنُونَ وَ إِذَا دَخَلَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِمْ فَلَا ضَمَانَ عَلَيْهِمْ». [۱۲][۱۳][۱۴][۱۵][۲۰]

حضرت علی (علیه السلام) صاحب سگ را اگر در روز گاز می‌گرفت ضامن قرار می‌داد و اگر در شب گاز می‌گرفت او را ضامن نمی‌دانست، و گفت: هنگامی که با اجازه صاحب‌خانه وارد خانه کسی شوی، اگر سگ آن‌ها تو را گاز بگیرد پس آن‌ها ضامن تو هستند و اگر بدون اجازه آن‌ها وارد شوی ضامنی بر آن‌ها نیست.

روایت اول صراحت دارد در ضمان صاحب‌خانه البته فقط در هنگامی که اذن ورود به مهمان بدهد و سگ او مهمان را مجروح کند، و روایت دوم علاوه بر بیان نکته روایت اول، ضمان صاحب سگ را مربوط به گاز گرفتن سگ در روز می‌داند.

(ب) شیخ طوسی ادعا می‌کند که فقها در این مسأله اجماع دارند. [۲۶]

علاوه بر ذکر این مسأله در فقه، ماده ۵۲۳ قانون مجازات نیز به این مطلب پرداخته است و بیان می‌کند:

«هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن‌دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن‌دهنده نسبت به آسیب‌رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد».

تبصره: در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آن که واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن‌دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضمان منتفی است.

۴-۱: ضمان ناشی از حمله حیوانی به حیوان دیگر

هرگاه حیوانی به حیوان دیگر هجوم آورد و به آن آسیب برساند یا باعث مرگ آن شود، اگر مالک در محافظت آن کوتاهی کرده باشد، اکثریت فقها بر ضامن بودن صاحب آن فتوا داده‌اند و چنانچه حیوانی که مورد حمله قرار گرفته است حمله‌کننده را مجروح کند یا بکشد، خون کشته‌شده هدر است و صاحب آن ضامن نیست. [۲۹][۱][۲۸][۲۵][۲۲][۴][۵][۶][۷][۸][۱۰]

ظاهراً شیخ طوسی در نهایی این مطلب را مطلق بیان کرده و سخنی از تفریط مالک به میان نیاورده است. [۳۰]

مصعب بن سلام تمیمی از امام صادق (علیه السلام) و آن حضرت از پدر بزرگوارشان نقل می‌کنند که:

«أَنَّ ثَوْرًا قَتَلَ حِمَارًا عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ ص فَرَفَعَ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي أَنَاثٍ مِنْ أَصْحَابِهِ مِنْهُمْ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ أَقْضِ بَيْنَهُمْ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِهِيمَةً قَتَلَتْ بِهِيمَةً مَا عَلَيْهَا شَيْءٌ فَقَالَ يَا عُمَرُ أَقْضِ بَيْنَهُمْ فَقَالَ مِثْلُ قَوْلِ أَبِي بَكْرٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَقْضِ بَيْنَهُمْ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ كَانَ الثَّوْرُ دَخَلَ عَلَى الْحِمَارِ فِي مُسْتَرَاكِهِ ضَمِنَ أَصْحَابُ الثَّوْرِ وَ إِنْ كَانَ الْحِمَارُ دَخَلَ عَلَى الثَّوْرِ فِي مُسْتَرَاكِهِ فَلَا ضَمَانَ عَلَيْهِمْ قَالَ فَرَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنِّي مَنْ يَقْضِي بِقَضَاءِ النَّبِيِّينَ (علیه السلام)». [۱۱][۱۳][۳۱][۱۴][۱۵][۱۶][۱۷]

در زمان پیامبر ﷺ یک گاو، الاغی را کشت و دعوی را نزد پیامبر ﷺ بردند. پیامبر ﷺ در میان جمعی از یاران خود که ابوبکر و عمر نیز در میان ایشان بودند خطاب به ابوبکر فرمود: میان این‌ها قضاوت کن. ابوبکر گفت: ای رسول خدا، حیوانی حیوان دیگر را کشته است پس ضامنی بر صاحب هیچ‌کدام نیست. پیامبر ﷺ به عمر فرمود: تو میان این‌ها قضاوت کن. عمر نیز سخنی هم‌چون سخن ابوبکر گفت. پیامبر ﷺ به علی (علیه السلام) گفت: تو میان ایشان قضاوت کن. حضرت فرمود: ای رسول خدا، اگر گاو، وارد طویله الاغ شده و آن را کشته باشد صاحب گاو ضامن است و اگر الاغ وارد طویله گاو شده باشد، هیچ‌کدام ضامن نیستند. پیامبر ﷺ دستان خود را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: ستایش خدایی را که از اهل بیت من کسی را قرار داد که هم‌چون قضاوت پیامبران قضاوت می‌کند.

روایت دیگری که سعدبن طریف از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است، همین مضمون را دارد، اما هر دو روایت ضعیف هستند و نمی‌شود به آن‌ها اطمینان کرد، به همین دلیل محقق و فقهای بعد ایشان همان‌طور که در بالا ذکر شد، می‌گویند: بهتر است که این‌گونه بگوییم: اگر حیوانی وارد طویله حیوان دیگر شده و آن را کشته باشد در صورتی که صاحب حیوان اولی کوتاهی کرده باشد، ضامن است و در غیر این صورت ضامن نیست. اما اگر حیوان دومی، اولی را مجروح کند صاحب آن ضامن نیست چون تفریطی از جانب او صورت نگرفته است.

صاحب جواهر ادعا می‌کند که متأخرین در این مورد اجماع دارند. [۶]

۲. ضمان ناشی از متوقف کردن حیوان

متوقف کردن حیوان نیز ممکن است از موجبات ضمان باشد و برای راکب ضمان‌آور باشد، زمانی که راکب در توقف آن کوتاهی کند به این صورت که در محل غیرمجاز که برای توقف تعبیه نشده، حیوان را نگه‌دارد.

بنابراین هرگاه راکب، حیوان را در راه عمومی متوقف کند، ضامن جنایاتی است که حیوان با دست و پا انجام می‌دهد. مشهور فقها بر همین عقیده‌اند. [۱][۳۲][۳۳][۶]

مستند شرعی فقها برای ادعای خود، روایت علاء بن فضیل است که نقل می‌کند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يَسِيرُ عَلَى طَرِيقٍ مِنَ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى دَابَّتِهِ، فَتَصِيبُ بِرَجُلٍهَا. فَقَالَ: «لَيْسَ عَلَيْهِ مَا أَصَابَتْ بِرَجُلٍهَا، وَعَلَيْهِ مَا أَصَابَتْ بِبَيْدِهَا، وَإِذَا وَقَفَ فَعَلَيْهِ مَا أَصَابَتْ بِبَيْدِهَا وَرَجُلِهَا، وَإِنْ كَانَ يَسُوقُهَا فَعَلَيْهِ مَا أَصَابَتْ بِبَيْدِهَا وَرَجُلِهَا أَيْضًا». [۱۱][۲۱][۱۳][۳۴][۱۴][۱۵][۱۶]

از امام صادق (علیه السلام) در مورد کسی سؤال شد که سوار بر چهارپای خود از راه مسلمانان گذر می‌کند و چهارپا با پای خود خسارتی وارد می‌کند. امام فرمود: «در مورد خسارت‌هایی که با پای حیوان وارد می‌شود، ضامنی بر صاحب نیست، اما در مورد خسارت‌هایی که با دست وارد می‌شود، ضامن است و اگر چهارپا متوقف شود، ضامن آن‌چه با دست و پا وارد می‌کند است و اگر پشت سر حیوان آن را می‌راند، ضامن تمام خسارت‌هایی است که حیوان با دست و پای خود وارد می‌کند».

برخی از فقها می‌گویند به دلیل اطلاق روایات، ظاهراً بین راه تنگ و وسیع، تفریط یا عدم تفریط مالک، راکب یا سائق یا قائد بودن، هیچ‌کدام تفاوتی نیست. [۱][۶][۷]

خویی معتقد است که در آن اشکال است و اقرب عدم ضمان است، دلیل او ضعف سند روایت است که باعث ساقط شدن اعتبار آن می‌شود، و ضعف سند هم با عمل مشهور جبران نمی‌شود، همچنین اجماع تعبدی که کاشف از قول معصوم (علیه السلام) باشد نیز در این مسأله ثابت نشده است، بنابراین اقرب عدم ضمان است مگر این‌که جنایت به علت تفریط صاحب و مستند به او باشد. [۸]

فتیاض نیز در منهاج الصالحین قائل به عدم ضمان است مگر در صورتی که جنایت مستند به تفریط او باشد. [۱۰]

با وجود این‌که مشهور فقها نظرشان بر ضمان آور بودن جنایات دست و پای حیوان هنگام متوقف کردن آن است، اما صاحب جواهر ظاهراً جنایات سر حیوان را نیز ضمان آور می‌داند. [۶]

و امام راکب را در آنچه که حیوان با دست و جلوی بدن و پایش بر آن جنایت وارد می‌کند، ضامن می‌داند، اگر چه از روی تفریط نباشد. [۷]

اما مجلسی دوم در توقف حیوان، با این‌که برای جنایات دست و سر او ضمان قائل است ولی برخلاف مشهور در جنایات پای حیوان، راکب را ضامن نمی‌داند. [۴]

می‌توان گفت نظر مشهور، ضمان مالک در جنایاتی است که حیوان با دست و پا مرتکب می‌شود، اما باز هم اختلاف آراء بین فقها مشاهده می‌شود.

در ماده ۵۲۴ قانون مجازات اسلامی، موضوع به این صورت بیان شده است:

«هر گاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محل‌های غیرمجاز متوقف نماید درمورد تمام خسارت‌هایی که آن حیوان وارد می‌کند و مستند به فعل شخص مزبور می‌باشد ضامن است و چنان‌چه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است».

۳. ضمان ناشی از برانگیختن یا زدن حیوان

از عواملی که ممکن است حیوان به سبب آن رم کند و خسارات مالی یا جانی به بار آورد، زدن یا برانگیختن حیوان است. بعضی از فقهای امامیه فتوا داده‌اند که اگر شخصی حیوان را بزند و به سبب آن حیوان مرتکب جنایت شود، آن فرد ضامن است. [۱][۳۲][۶][۷]

مبانی فقهی ضمان رم‌دهنده حیوان

در ضمان تحریک یا زدن حیوان که منجر به رم کردن و ایجاد خسارت یا جنایت می‌شود، دلایل فقهی بیان شده است که عبارت اند از:

الف) روایاتی که در آن‌ها ضارب حیوان را ضامن جنایات حیوان می‌دانند.

۱- حلبی از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند که:

الف) «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يُنْفِرُ بِرَجُلٍ - فَيَغْرِهُ وَ تَغْفِرُ دَابَّتُهُ رَجُلًا آخَرَ - قَالَ هُوَ ضَامِنٌ لِمَا كَانَ مِنْ شَيْءٍ». [۱۱][۱۳][۱۴][۱۵]

از امام صادق (علیه السلام) در مورد فردی که حیوان را رم داده و حیوان سوار را بر زمین زده و حیوان دیگری را نیز از بین برده است، سؤال کردم. امام گفت: او ضامن تمام خسارت‌هایی است که به سبب رم دادن به وجود آمده است.

۲- از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که:

«أَيُّ رَجُلٍ أَفْزَعَ رَجُلًا عَلَى الْجِدَارِ أَوْ نَفَرَ بِهِ عَنْ دَابَّتِهِ فَخَرَّ فَمَاتَ فَهُوَ ضَامِنٌ لِذِيَّتِهِ فَإِنْ انْكَسَرَ فَهُوَ ضَامِنٌ لِذِيَّتِهِ مَا يَنْكَسِرُ مِنْهُ» [۱۱][۱۳][۱۴][۱۵][۱۶][۲۰]

اگر کسی دیگری را که روی دیوار است بترساند، یا حیوان او را رم دهد، و او بیفتد و تلف شود، ضامن دیه او خواهد بود، و اگر دست یا پایش بشکند، ضامن شکستگی او است.

ب) ادعای اجماع در مورد این مسأله شده است. [۳۵]

البته نکته‌ای که حائز اهمیت است و بعضی از فقها به صراحت آن را بیان کرده‌اند، این است که ضمانی که به علت زدن حیوان و رم کردن آن، محقق می‌شود هنگامی صحیح است که ضارب در مقام دفاع حیوان را زده باشد چون اگر به علت دفاع و دور کردن حیوان آن را بزند ضمانی بر او نیست، زیرا آن‌جا اصل عدم ضمان است. [۳۶][۳۵][۲۹][۷]

این ادعا با تکیه بر روایتی است که ابی بصیر در آن نقل می‌کند:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ كَانَ رَاكِبًا عَلَى دَابَّةٍ فَعَشِيَ رَجُلًا مَاشِيًا حَتَّى كَادَ أَنْ يُوطِئَهُ فَزَجَرَ الْمَاشِيَّ الدَّابَّةَ عَنْهُ فَخَرَّ عَنْهَا فَأَصَابَهُ مَوْتُ أَوْ جُرْحٌ قَالَ لَيْسَ الَّذِي زَجَرَ بِضَامِنٍ إِنَّمَا زَجَرَ عَنْ نَفْسِهِ» [۱۳][۱۴][۱۵][۳۴][۲۰]

از امام صادق (علیه السلام) در مورد مردی پرسیدم که سوار بر حیوان در حال حرکت بود، مرد دیگری پیاده آن‌جا راه می‌رفت، نزدیک بود که حیوان او را هلاک کند فرد پیاده حیوان را از خود دور کرد، حیوان رم کرد و راکب خود را زمین زد، راکب آسیب دید و یا مرد. امام فرمودند: کسی که در دفاع از خود حیوان را رانده، ضامن نیست.

شاید بشود این‌گونه گفت که، رم دادن یا زدن حیوان خود تسبیب در جنایت حیوان است، به عبارتی عمل آن فرد باعث تحریک حیوان شده و در نهایت به آن آسیب یا تلف منجر شده است. پس باید خود او ضامن باشد. ولی زمانی که برای دفاع حیوان را بزند، چون برای حفظ جان انجام شده، ضمانی به او تعلق نمی‌گیرد.

قانون‌گذار هم‌چنین با اختصاص ماده ۵۲۵ به این مطلب پرداخته و می‌گوید:

«هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایتهایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می‌کند مگر آن‌که عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد».

با دقت در این ماده، آن‌چه در قانون بیان شده مطابق با فتوای فقها می‌باشد.

نتیجه گیری

حیوانات از جمله اموالی هستند که هر شخصی می تواند آن ها را در تملک خود داشته باشد و از آن ها به هر شکل و طریقی که بخواهد استفاده کند، اما مشروط به این که حیوان نباید منجر به ایجاد ضرر و خسارت برای سایر افراد شود. صاحب هر حیوانی که از وضعیت حیوان و خطر حمله آن آگاه باشد و در حفظ آن کوتاهی کند، به طوری که باعث تلف یا خسارت شود، مسؤول است، اما اگر از حال حیوان مطلع نباشد ضمانی بر عهده او نیست. بنابراین برای محقق شدن ضمان وجود دو عامل، آگاهی از وضعیت حیوان و تفریط در حفظ آن لازم و ضروری است. هدف از ضمان مالک علاوه بر جبران خسارت صدمه دیده، احترام به حقوق دیگران و کنترل بی توجهی صاحبان حیوان در نگهداری حیواناتشان می باشد بنابراین این عمل از ایجاد هرج و مرج در اجتماع نیز جلوگیری می کند

منابع و مراجع

- [۱] حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، ۱۴۰۸ ه. ق.
- [۲] حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، جلد ۳، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۱۳ ه. ق.
- [۳] عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، جلد ۱۵، چاپ اول، مؤسسه المعارف الإسلامية، قم - ایران، ۱۴۱۳ ه. ق.
- [۴] اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، حدود و قصاص و دیات مجلسی، چاپ اول، مؤسسه نشر آثار اسلامی، تهران - ایران، بی تا.
- [۵] اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، جلد ۱۱، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۱۶ ه. ق.
- [۶] نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۴۳، چاپ هفتم، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ ه. ق.
- [۷] خمینی، روح الله موسوی، تحریر الوسیله، جلد ۲، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم، بی تا.
- [۸] خویی، سید ابو القاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، جلد ۴۲، چاپ اول، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم - ایران، ۱۴۲۲ ه. ق.
- [۹] کاشانی، حاج آقا رضا مدنی، کتاب الدیات (للمدنی الکاشانی)، در یک جلد، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۰۸ ه. ق.
- [۱۰] کابلی، محمد اسحاق فیاض، منهاج الصالحین (للفیاض)، جلد ۳، بی تا.
- [۱۱] کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، جلد ۱۴، چاپ اول، دار الحديث للطباعة و النشر، قم - ایران، ۱۴۲۹ ه. ق.
- [۱۲] قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۱۳ ه. ق.
- [۱۳] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، جلد ۱۰، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، ۱۴۰۷ ه. ق.
- [۱۴] کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، جلد ۱۶، چاپ اول، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان - ایران، ۱۴۰۶ ه. ق.
- [۱۵] عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، جلد ۲۹، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه. ق.
- [۱۶] اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، جلد ۲۴، چاپ دوم، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، ۱۴۰۴ ه. ق.
- [۱۷] نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد ۱۸، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت - لبنان، ۱۴۰۸ ه. ق.
- [۱۸] عریضی، علی بن جعفر علیهما السلام، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه. ق.
- [۱۹] اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، جلد ۱۶، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، ۱۴۰۶ ه. ق.
- [۲۰] بروجرودی، آقا حسین طباطبایی، جامع أحادیث الشیعة، جلد ۳۱، چاپ اول، انتشارات فرهنگ سبز، تهران - ایران، ۱۴۲۹ ه. ق.
- [۲۱] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، جلد ۴، چاپ اول، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، ۱۳۹۰ ه. ق.

- [۲۲] اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، جلد ۱۴، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۰۳ ه ق.
- [۲۳] کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، جلد ۱۸، چاپ اول، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان - ایران، ۱۴۰۶ ه ق.
- [۲۴] قمی، سید صادق حسینی روحانی، فقه الصادق علیه السلام (لروحانی)، جلد ۲۶، چاپ اول، دار الكتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۱۲ ه ق.
- [۲۵] عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ج ۱۰، چاپ اول، کتابفروشی داور، قم - ایران، ۱۴۱۰ ه ق.
- [۲۶] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، جلد ۵، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۰۷ ه ق.
- [۲۷] طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، المذهب (لابن البراج)، جلد ۲، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۰۶ ه ق.
- [۲۸] عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، چاپ اول، دار التراث - الدار الإسلامیة، بیروت - لبنان، ۱۴۱۰ ه ق.
- [۲۹] حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد ۳، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۱۰ ه ق.
- [۳۰] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۰ ه ق.
- [۳۱] احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللئالی العزیزیة، جلد ۳، چاپ اول، دار سید الشهداء للنشر، قم - ایران، ۱۴۰۵ ه ق.
- [۳۲] حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثة)، جلد ۵، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۲۰ ه ق.
- [۳۳] حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، جلد ۲، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۱۰ ه ق.
- [۳۴] اصفهانی مجلسی اول، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، جلد ۱۰، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم - ایران، ۱۴۰۶ ه ق.
- [۳۵] حلبی، ابن زهره، حمزة بن علی حسینی، غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۱۷ ه ق.
- [۳۶] طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلی نیل الفضیلة، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، ۱۴۰۸ ه ق.